

بیانات رهبر انقلاب در ابتدای درس خارج فقه درباره صفت‌های برجسته اخلاقی



پایگاه اطلاع‌رسانی IR.KHAMENEI متن بیانات رهبر انقلاب در این جلسه‌ی درس خارج فقه را به شرح زیر منتشر می‌کند:

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلعنة الله على اعدائهم
اجمعين.

وَبِهِذَا الْاِسْنَادِ عَنْ اَبِي قَتَادَةَ قَالَ: قَالَ ابُو عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِدَاوُدَ بْنِ
سَرْحَانَ: يَا دَاوُدُ اِنَّ خِيَالَ الْمَكَارِمِ بِعَضُهَا مُقَيِّدٌ بِرِيْعِضٍ، يُقَسِّمُهَا اِنَّ حَيْثُ
يَشَاءُ تَكُونُ فِي الرَّجُلِ وَلا تَكُونُ فِي اَبْنِهِ وَتَكُونُ فِي الْعَبْدِ وَلا تَكُونُ فِي
سَيِّدِهِ: صِدْقُ الْحَدِيثِ
وَ صِدْقُ النَّاسِ وَ اِعْطَاءُ السَّائِلِ وَ الْمُكَافَاةُ بِالْمَصْنَعِ، (١)

وَبَرِّهَا ذَا الْإِسْنَادِ عَنِ أَبِي قَتَادَةَ قَالَ:

این چند حدیثی که روزهای قبل خواندیم و این [حدیثی] که امروز میخوانیم، سندهای صحیح و بسیار معتبری دارد؛ ابی قتاده هم ثقه است.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِدَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ: يَا دَاوُدُ إِنَّ خِيَالَ الْمَكَارِمِ بِعَضُهَا مُقَيِّدٌ بَرِيْعٌ

[امام صادق (علیه السلام) میفرماید:] بعضی از مکارم اخلاق و خصلتها بسته‌ای به بعضی دیگر است، یعنی با هم ارتباط دارد؛ یا ارتباط علّی و معلولی دارد که یکی علّت آن دیگری است، یا به نحوی ارتباط عملیاتی و رفتاری با همدیگر دارند.

يُقَسِّمُهَا إِذْ حَيْثُ يَشَاءُ

اینها را هم مثل بقیّه‌ای چیزها از خدا بدانید؛ این را هم خدا میدهد. بله، کار خدای متعال بی‌حکمت نیست و رفتار ما، اختیار ما، و اراده‌ای ما در ایجاب رحمت الهی تأثیر دارد لکن بالاخره آنچه به ما داده میشود، از همه‌ای مکارم، از همه‌ای خوبی‌ها، از همه‌ای نِعَم - از جمله مکارم اخلاق - از طرف خدا است، خداوند تقسیم میکند؛ به شما یک چیزی میدهد، به دیگری یک چیز میدهد، به آن دیگری یک چیز [دیگر] میدهد.

تَكُونُ فِي الرَّجُلِ وَ لَا تَكُونُ فِي ابْنِهِ

گاهی یک صفت خوبی در پدر هست، در پسر نیست. اینکه حالا میگویند زن یا زن [خوب]! اینها خیلی اعتباری ندارد. گاهی اوقات پدر یک صفت خوبی دارد، پسر ندارد؛ عکسش هم هست که پسر یک صفت خوبی دارد که پدر ندارد. اینها ایجاب الهی و انعام الهی است.

وَ تَكُونُ فِي الْعَبْدِ وَ لَا تَكُونُ فِي سَيِّدِهِ

این جور هم نیست که موقعیّت اجتماعی و شأن اجتماعی هم تأثیر داشته باشد؛ نه، گاهی یک صفت خوبی را یک برده‌ای دارد که سیّد او، ارباب او ندارد. مستخدم شما گاهی اوقات یک خصوصیتی دارد که شما آن خصوصیت را ندارید. یک صفت خوبی در فرد زیردست ما هست که آن صفت در ما نیست؛ یعنی او بالاتر از ما است. خب، حالا این صفات و مکارم اخلاق که این قدر هم درباره‌اش فرموده‌اند، چه چیزهایی است؟ چند صفت را حضرت بیان میفرمایند. اینها واقعاً همان جلوه‌های درخشان اسلام است؛ لبّ اسلام اینها است. این خصوصیات [است] که انسانهای برجسته میسازد و به برکت وجود انسانهای برجسته در یک اجتماع، در یک جامعه‌ای بشری، نظام اجتماعی برجسته به وجود می‌آورد و [اگر] انسانهای کریم، انسانهای شجاع،

انسانهای باگذشت، انسانهای صادق در یک جامعه ای باشند، این جامعه، جامعه ای برجسته ای میشود؛
[البتّه] عکسش هم صادق است. واقعاً انسان باید اینها را مثل دُر و گوهر گرانبها روی چشمش بگذارد
و به دنیا عرضه کند. حالا این صفات چیست؟ اوّل:

صِدْقُ الْحَدِيثِ

راستگویی. الان کشور خود ما کشور اسلامی است و از بسیاری از جوامع دنیا هم انصافاً بهتر و
پاکیزه تر و طاهرتر است امّا در عین حال شما ببینید خیلی از مشکلات داخل کشور ما ناشی از نبودن
همین صفت است؛ صدق الحدیث نیست، راستگویی نیست. راستگویی یعنی چه؟ یعنی شما حرفی را که میزنید،
مطابق با واقع باشد. اگر دانستید مطابق با واقع است و گفتید، این راست است؛ اگر نه، نمیدانید
مطابق واقع است یا نیست امّا میگویید، این صدق نیست. «صدق» عبارت است از اینکه شما چیزی را که
میدانید مطابق واقع است، بیان میکنید. فضای مجازی را ملاحظه کنید که بر اثر حرف، شایعه، دروغ،
خلاف، تهمت، نسبت بدون واقعیت به این، به آن، به بالا، به پایین، به همدیگر، یک فضای دروغ در کشور
به وجود می آید؛ ببینید، اینها اشکال است. پس اوّل «صِدْقُ الْحَدِيثِ» [یعنی] همه [سعی کنیم راست بر
زبان جاری کنیم. دوّم:

وَ صِدْقُ النَّاسِ

با مردم هم صادق باشید؛ با مردم با تقلّب و خدعه و فریب و دورویی برخورد نکنید. «صِدْقُ النَّاسِ»
یعنی صدق عمل با مردم؛ انسان در مواجهه ای با مردم با صداقت وارد بشود، با کلک و دروغ و فریب و
مانند اینها با مردم برخورد نکند. اگر ما در مسائل گوناگون اجتماع [مان، سیاسی] مان، انتخاباتمان،
و مانند اینها، همین یک مورد را مراعات کنیم، ببینید چقدر دنیا آباد خواهد شد؛ «وَ صِدْقُ
النّاس». این هم دوّم.

وَ اِعْطَاءُ السَّائِلِ

[اگر سائل] از شما چیزی خواست، به او بدهید اگر چنانچه میتوانید. یک وقت یک فقیری است که از شما
سؤال نکرده، خب [اگر] به او کمک کنید خوب است امّا اگر چنانچه از شما درخواست کرد - سؤال کرد یعنی
درخواست کرد- آن وقت این مکرمت بزرگی است و او را رد کردن، خلاف مکرمت انسانی است.

وَ الْمُكَافَاةُ بِالْمَصْنَعِ

«مَصْنِعَةٌ» یعنی کارهای نیک؛ خدمتهای نیک به دیگران را میگویند «مَصْنِعَةٌ». «مُكَافَاةٌ» ای به صنایع
بکنید» یعنی [اگر] کسی به شما نیکی کرد، شما هم در مقابل به او نیکی کنید. این جور نباشد که نیکی

دیگران را با اهمال و احیاناً با بدی پاسخ بدهیم. [اگر] کسی به ما نیکی کرده، خب در مقابل باید به او نیکی کنیم. این هم سوّم.

(۱) امالی طوسی، مجلس یازدهم، صفحه ۳۰۱؛ «امام صادق (ع) به داود بن سرحان میفرماید: ای داود! برخی از مکارم اخلاق به برخی دیگر وابسته است و با هم ارتباط دارد که اینها را خدا تقسیم میکند؛ گاهی این صفات در مردی وجود دارد و در پسرش نیست یا گاهی در برده ای وجود دارد و در اربابش نیست. از جمله ای آنها است: راستگویی و صداقت با مردم در عمل، و بخشیدن به فقیری که درخواستی دارد و نیکی کردن در مقابل خوبی های دیگران.